

عبادتى به آسانى لبخند



روز جمعه که بابا حیات را آبپاشی و جارو می کرد و فرشى روى تخت کنار باغچه مى انداخت، ما بچه ها گل از گلمان مى شکفت، چون مى دانستيم آبپاشى و جاروى حیات مساوى است با حضور چندساعته گروهى از اقوام و آشنایان به همراه کودکانشان که همیشه بیشتر از آنچه فکر مى کردیم طول مى کشید، چون هیچ کس، نه کوچک ترها نه بزرگ ترها دوست نداشتند این حلقه مهربان وصمیمى فامیلی را ترک کنند. حلقه اى که همیشه بنابود به شادى و خنده بگذرد و گاه صرف حل مشکلات دوست و آشنا یا رفع کدورتى هم مى شد، اما هر چه بود پربرکت بود و آدم ها معمولا با دلى شاد و ذهنى آرام آن را درک مى کردند و به امید جمعه اى دیگر و دورهمى دیگرى مى ماندند. چون قدیمى ها بیشتر از ما جوانان امروزی به اهمیت صله رحم واقف بودند و تا جایی که مى توانستند از برکات آن بهره مى بردند. با نگاهی به اثرات این جمع های فامیلی به خوبی مى توان پی به این سخن رسول اکرم (ص) برد که مى فرمایند: «صله رحم از واجبات دین اسلام است و خداوند سبحان به اکرام ارحام و خویشان امر فرموده است.» (غررالحکم، ص ۴۰۶، ح ۹۲۹۰) واجبی که همیشه روى منبرها به آن توصیه شده ایم و بناست گرهى از کار ما در گرفتاری های زندگى مدرن باز کند.

همان داری و سفره انداختن از رسم هایی است که به خوبی مى توان ردپای سنت را در آن دید. چه از زاویه دید صله رحم و چه از بابت خیرات و نذورات. آن چنان که مى دانیم حضرت فاطمه (ص) و امام علی (ع) نیز به وقت بیماری فرزندانشان، نذر کرده و روزه گرفتند و آنچه در خانه داشتند، اطعام کردند. اطعامی که در سبک زندگى مردم تبدیل به سفره هایی به نام و یاد ائمه اطهار (ع) و بزرگان دین شده است. در کنار این سفره ها که معمولا با برگزاری مجلس ذکر اهل بیت (ع) همراه است، دوستی ها محکم تر شده، مشکلات برطرف شده، قهرها تبدیل به آشتی شده و غریبه ها به دوستان جدید تبدیل شده اند.

از امام سجاد (ع) نقل شده است: «دو گام نزد خداوند، محبوب ترین گام هاست، گامی که در راه خدا برای تحقق لشکر اسلام (برای جهاد) برداشته شود و گامی به سوى خویشاوندی که با انسان قطع رابطه کرده است.» درباره پیوند صله رحم و مجلس اهل بیت (ع) و شکل گیری محافل ذکر اهل بیت (ع) و روضه های خانگی بیشتر از این مى توان نوشت. پیوندی که در ابتدایی ترین شکل خود منجر به انس بین دوستان و آشنایان شده و در حد اعلاى خود مى تواند به احیای امر امام (ع) ختم شود. مگر احیای امر ولی جز نیکی کردن به خلق، دوستی با خویشاوندان، بازکردن گره از کار خلق و امر به معروف است. آن چنان که در کلام بزرگان دینی صله رحم، زبان خبر، روى خوش و لیخنزدن و هزاران صفت خوب توصیه شده، همه نمونه هایی از عبادت اند. عبادتی که گاه مى تواند به آسانی یک لیخنزدن به دست بیاید و مورد قبول حق واقع شود.

بپرس و بدان

حکم وام



در این ستون به پرسش های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی مى توانید با ارسال پیامک پرسش های خود را به شماره ۳۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارید.

● وام گرفتن از بانک ها چه حکمى دارد؟

● **بررسى جوانب مختلف مسئله از منظر آیت ا... العظمى خامنه اى** دریافت تسهیلات از بانک ها و یا صندوق های قرض الحسنه، اگر موجب ربا نشود و به شروط مندرج در تسهیلات عمل شود، اشکالی ندارد. دریافت وام، مشروط به سپرده گذاری قبلی در آن بانک یا صندوق نباشد. آیت ا... العظمى خامنه اى در این باره فرموده اند: اگر دادن پول به صندوق به این عنوان باشد که آن پول برای مدتی نزد صندوق به صورت قرض بماند، به این شرط که صندوق هم بعد از آن مدت، وامی در اختیار او قرار دهد و یا وام دادن صندوق مشروط به این شرط باشد که او قبلاً مبلغی را در صندوق گذاشته باشد، این شرط در حکم ربا بوده و شرعاً حرام و باطل است، ولی اصل قرض نسبت به هر دو طرف صحیح است. البته شرط در عضویت و اسکونت در آن محله و یا شرط هایی که باعث محدودیت پرداخت وام به اشخاص مى شود، اشکالی ندارد و شرط باز کردن حساب پس انداز در صندوق هم اگر به این امر برگردد که اعطای وام اختصاص به آن اشخاص پیدا کند، بدون اشکال است، ولی اگر به این برگردد که وام گرفتن از صندوق در آینده مشروط است به اینکه متقاضى وام قبلاً مبلغی پول در بانک گذاشته باشد، این شرط منفعت حکمى در قرض است که باطل مى باشد. در قرض دادن یا گرفتن از بانک ها یا مؤسسات قرض الحسنه نباید سود شرط شود. حکم قرض دادن به بانک مانند حکم قرض گرفتن از بانک است، چنانچه در قرارداد وام، شرط فایده و سود شده باشد، ربا و حرام است و فرق نمى کند پولی که به بانک داده مى شود به نحو سپرده ثابت باشد، یعنى صاحب پول برحسب قرارداد تا مدت معینی نمى تواند از پول خود استفاده کند، یا به نحو حساب در گردش که هر موقع بخواهد مى تواند از پول خود استفاده کند، ولی چنانچه شرط سود نشده باشد و صاحب پول به این قصد پول خود را به بانک نمى دهد که فایده اى از آن عایدش شود و اگر سودی هم به او ندهند، خود را طلبکار نمى داند و مطالبه نخواهد کرد، در این صورت گذاشتن پول نزد آن بانک جایز است و اشکال ندارد. گرفتن وام از بانک به عنوان شرکت یا یکى از معاملات شرعى صحیح است و اشکالی ندارد.

آیت ا... العظمى سیستانی

اگر بانک دولتی باشد و مبلغ را بر اساس عقد صحیح مانند مضاربه یا فروش اقساطی دریافت کنید، باید به موجب آن ملتزم شوید و چنانچه بر اساس عقد صحیح نباشد مى توانید مبلغ را به نیت مجهول المالك گرفته سپس با اذن معظم له به عنوان قرض برای خود بردارید و آن را در همان جهتی که طبق ضوابط وام به شما داده شده، مصرف کنید. واگر بانک خصوصی باشد و مبلغ را بر اساس عقد صحیح مانند مضاربه یا فروش اقساطی دریافت کنید، باید به موجب آن ملتزم شوید و چنانچه بر اساس عقد صحیح نباشد، گرفتن وام جایز نیست.

آیت ا... العظمى مکارم شیرازى

وام گرفتن از بانک ها مانعی ندارد. وام ها دو نوع هستند: ۱- وام های قرض الحسنه که کارمزد آن ها نباید بیشتر از ۴ درصد باشد. ۲- وام هایی که برطبق یکى از عقود شرعیه (از قبیل مضاربه، جعاله، وکالت، مشارکت و مانند آن) هستند که چنانچه شرایط آن ها رعایت شود، دریافت سود توسط بانک ها مانعی ندارد. البته در هر دو صورت، وام را برای هر کارى مى گیرند، باید مطابق قرارداد عمل کنند.



شهرآر نیوز
۳شنبه
۹ اسفند ۱۴۰۱
۷۷۴۴ شماره
۰۲۷ تهران

۱۴



در گفت وگو با کارشناس دینی مطرح شد

فرهنگ کسب درآمد از منظر قرآن کریم

ساحل کریمى! تفاوت اساسى اقتصاد اسلامى با سایر مکاتب اقتصادى، در این است که اقتصاد اسلامى بر آموزه های دینی مبتنى است، در حالى که نظریه پردازان اقتصاد سرمایه داری حول محورهای مطلوبیت، سود و رفاه مادی مى چرخند، در نظریه اقتصاد سرمایه داری مبنای رفتار انسان در جایگاه مصرف کننده، حداکثر سازی مطلوبیت و در جایگاه تولید کننده بهینه سازی تولید به هدف حداکثر کردن سود است. افق زمانى در اقتصاد سرمایه داری، کوتاه مدت است. از معاد و توجه به آخرت اثرى دیده نمى شود، نگرش به خالق مبتنى بر فلسفه رئالیسم و قطع رابطه با مبدأ است. در حالى که اقتصاد اسلام در همه مراحل تولید و توزیع و مصرف، انسان را به مبدأ و معاد متوجه و راه تکامل مادی و معنوی را برای بشر هموار مى کند. حجت الاسلام والمسلمین ابراهیم بهارى، کارشناس و محقق قرآنى، درباره شاخصه های مختلف اقتصادى تأثیرگذار بر زندگى فردى و اجتماعى از منظر قرآن توضیحاتى به ما داده است.

تجلی توحید در معیشت و فعالیت اقتصادى

قرآن کریم با اشاره به تجلی توحید در اقتصاد بر آن است تا انسان ها همواره به یاد، خداوند متعال و تدبیر حکیمانه او برای بقای موجودات باشند و دچار غفلت نشده، به مظاهر خلقت و اسباب ظاهرى توجه استقلالى نکنند، در سوره ملک آیه ۱۵ آمده است: «خورشید و ماه را مسخر شما ساخت، زمین را برای شما رام کرد تا بر پشت آن راه بروید [و با کار وتلاش] از روزی های خداوند بخورید، خداوند به گونه اى زمین را رام انسان ساخت که با سرعت فوق العاده اى که در حرکت های چرخشى و انتقالی دارد، گویا به کلی ساکن و بدون حرکت است، دریاها و کشتی ها را مسخر ما ساخت تا بتوانیم کسب روزى کنیم و عوامل تولید اگر مى توانند نقش عامل بودن ایفا کنند، این نقش را خداوند متعال به آن ها داده است.

توجه به معاد در اقتصاد

بنا بر تأکید قرآن، اعمال انسان در روز قیامت ارزیابى و محاسبه مى شود و هر فرد متناسب با رفتارش در دنیا جزا مى بیند، ترس از عذاب اخروى در تصحیح رفتارهای انسان از جمله رفتارهای اقتصادى او مؤثر است. در قرآن کریم ذکر شده است: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَمْتَدِّفُونَ، وَإِذَا كَالُواهُمْ أَوْ وَزَنُواهُمْ يُخْسِرُونَ، أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيُؤْمَ عَظِيمٍ، وای بر کم فروشان! آن ها که به هنگام خرید، حق خود را به طور کامل مى گیرند و به هنگام فروش از کيل و وزن کم مى گذارند، آیا آن ها گمان نمى کنند که در روز عظیمى برانگیخته خواهند شد، روز رستاخیز در دادگاه عدل خدا.»

عدالت در فعالیت های اقتصادى

اصل عدل در آیات متعدد قرآن همراه با مسئله توحید، نبوت و معاد مورد اشاره قرار گرفته است و در مسائل اقتصادى نیز به آن توصیه شده است. در سوره الرحمن آیه ۹ آمده است: «وَأَقِمْ وَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ؛ و هر چیز را به ترازوى عدل و انصاف بسنجید و هیچ در میزان، کم فروشى و نادروستى نکنید،

توزیع تکوینى ثروت

بشر در طول زندگى مورد آزمایش های زیادى قرار مى گیرد. قرآن در سوره شورى تصریح مى کند که خداوند روزى را برای هر فردى از بندگانش بخواهد گسترده یا محدود مى کند ، لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ کلید (کنج نعمت های) آسمان ها و زمین او راست، هر که را خواهد رزق وسیع دهد و هر که را خواهد تنگ روزى کند که او به هر چیز آگاه است.»

نگرش به ثروت

اگر چه علاقه به مال و ثروت برای انسان فطرى است، لکن قرآن او را به ثروت آخرت هم متوجه مى کند. در سوره آل عمران علاقه انسان به امور مختلف مطرح شده است اما دلبستگی به مال و امور دنیوی را تا جایی تأیید مى کند که مانعی در انجام دستورات الهی نباشد و عاقبت و فرجام نهایی را از آن خدا بیان مى کند، «رُئِيَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنْ ... ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَالِ» قرآن ثروتى را که مالک آن را فضل الهی بداند و از آن به دیگران نیز نفع برساند، مورد تحسین قرار مى دهد، و از سوى دیگر از سلیمان نبی (ع) و حضرت داود (ع) و ذوالقرنین به نیکی یاد مى کند و در سوره نور بیان مى دارد: «هذا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّى» و با نگرش قارون و فرعون که مى گویند: «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عُنْدى» (قارون) گفت: این ثروت را به وسيله دانشى که نزد من است به دست آورده ام،» (سوره قصص، آیه ۷۸) به مبارزه برمى خیزد و آن را تقبیح مى کند.

فراوانى منابع دنیا

برخلاف دیدگاه اقتصاددانان که منابع اقتصادى را محدود و آینده زمین را تیره و تار مى بینند، قرآن در سوره ابراهیم آیه ۳۴ از منابع نامحدود سخن مى گوید: «وَأَنَّا كُنْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا، و از هر چیزى که از او خواستید، به شما داد، و اگر نعمت های خدا را بشمارید، هرگز آن ها را شماره نتوانید کرد!، هرچند شکر و سپاس در مقابل نعمت ها موجب فروزى مى شود و کفران نعمت منع و مردود شمرده شده است.

داستان

شادى بعد از گل

باریکلا جواد جان ، حقا که شیربچه اى حالا چند چند بردى بابا؟
منچستر مى شوم که «منچستر رو بردیم، اما پیش از آنکه جمله ام تمام شود، فرود مى ايم وسط سفره آبگوشت. آن هم با ساقى خونى و تن خیس از عرق. چشم هايم را مى بندم و صدای الهاکبر ملت مى پیچد توى گوشم. چشم هايم را که باز مى کنم آقا جان به همراه بقیه اهالى محل بالای سرم ایستاده اند. از ترس زبانم بنده آمده و نمى دانم چه کنم که آقاى ترابى، پیش نماز مسجد، قبل از همه سمت دست دراز مى کند که «به به پهلوون، پاشو تا قاطلى تلبت ها نخوردیمت.»
دستش را که انگار ریسمان الهی است، چنگ مى زنم و خودم را از نهر آبگوشت و سبزی خوردن بیرون مى کشم. هنوز بین زمین و هوا هستم که بابا دستش سمت یقه ام مى آید، اما آقاى ترابى پیش دستی کرده و من را توى هوا مى قاپد و سفت مى چسباند به خودش.

من با جواد آقا کار دارم مى خوام ببینم چندچند بردن؟ چه کردن؟ شما بفرما مى خوام بهش جایزه بدم. شما هم به فکرش باش کم کارى نکرده ماشاءا... منچستر رو برده.
بعد هم دست مى کشد روى سرم که این قدر وول نخور آقا جان، بابا بت گبرت بیاره که بزرگت گوشته. از ترس رجا جالت آرام مى گیرم. صداها که مى خوابند، خاطرم جمع مى شود که همه رفتها اند، اما روم نمى شه صورتم را از اى عباى حاج آقا بردارم. حاج آقا همان طور مى گوید: خوب کردى بابا آمدى مسجد شادى ات رو با دیگران قسمت کنى آفرین. الحق که دلم رو شاد کردى.
بعد هم مرا از خودش جدا مى کند و ادامه مى دهد آفرین سرت رو بگیر بالا باباجان. چرا خجالت مى کنش؟ بهت نمى خندم.
تا صورت چرب و چپلى ام را مى گیرم بالا، مى زند حاج آقا، شما برید، من و جواد مى مونیم.
حاج آقا چندتا مى زند پشتم و مى گوید: شما بفرما، زیر خنده، خنده اش تمام نمى شود.